

بیژن اسدی*

در اواسط پاییز ۱۳۷۲، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه پیشنهاد تدوین پژوهشنامه‌ای با عنوان نخبگان خاورمیانه را به نگارنده داد. البته، با توجه به کمبود منابع و مراجع لازم، کار پژوهش تا حدودی دشوار بود. اما بنا به ضرورت مقاله حاضر به رشته تحریر درآمد. قابل ذکر است که به دلیل ماهیت موضوع، شکل مقاله و عنوانهای مربوط به آن عمدتاً به صورت «طرح پژوهشی» تنظیم شده است.

مقدمه

اصطلاح «خاورمیانه» و کاربرد آن دیر زمانی نیست که استفاده عام یافته است. به عبارت روشن تر، قدمت آن به کمتر از یک قرن می‌رسد، یعنی از زمانی که دریاسالار آلفردماهان آمریکایی به عنوان یک استراتژیست دریایی و واضع نظریه ماهانیسم (تأکید بر قدرت دریایی کشورها)، اصطلاح خاورمیانه را در نوشته‌های علمی خود به کار برد. پس از او نیز بتدریج استفاده از این اصطلاح توسعه یافت، بویژه پس از جنگ جهانی دوم ابعاد کاربردی آن جنبه جهانی و همه گیر یافت. اما بر خلاف عمر کوتاه وضع و کاربرد اصطلاح یاد شده، قدمت حضور و توجه استعمار به کشورهای مختلف خاورمیانه به چند قرن قبل – و به طور مشخص شروع قرن شانزدهم – باز می‌گردد؛ چرا که این منطقه (و کشورهای محدود آن) یکی از مناطق مهم استراتژیک و ژئوپولیتیک می‌باشد که به دلیل موقعیت ویژه خود همواره طی قرون متمادی مورد توجه قدرتهای بزرگ بوده است.

* بیژن اسدی عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی است.

با کشف نفت در ایران، در آغاز قرن بیستم، و اعطای اولین امتیاز اکتشاف و استخراج نفت به انگلیسی‌ها، دوران جدیدی از توجه و رقابت قدرتها در منطقه خاورمیانه شروع شد. جنگ جهانی اول، سرزمینهای منطقه را به میدان کشاکش قدرتهایی نظیر انگلستان، روسیه، فرانسه، عثمانی، آلمان، ایتالیا، آمریکا و غیره مبدل کرد. رخداد «انقلاب عربی» (۱۹۱۶) با تحریک انگلستان و رهبری شریف حسین و نیز انعقاد قرار داد استعماری «سایکس — پیکو» بین قدرتهای بزرگ وقت از جمله پیامدهای مهم این جنگ است. در فاصله بین دو جنگ جهانی، پایه‌های استعمار چند قدرت اروپایی در منطقه تحکیم شده تا اینکه آتش جنگ جهانی دوم شعله ور گردید و خاورمیانه نیز به نوبه خود به یکی از مهم‌ترین میدانهای نبرد و رقابت متفقین و متحدین مبدل شد. از زمان جنگ جهانی دوم تا قبل از فروپاشی شوروی، منطقه در گیر رقابتها و کشاکشهای گسترده بین دو ابرقدرت آمریکا و شوروی بود.

هدف از مرور مختصر رخدادهای خاورمیانه طی دهه‌های قرن بیستم، این است که نشان دهیم در خلال تحولات مذکور، سه گروه افراد در زمینه‌های گوناگون به نوعی منشاء تحولات و اثراتی شدند که به چند عنوان از جمله «نخبگان»، «مشاهیر» و «سرشناسان» و غیره شهرت عام یافتند. گروه اول که اکثریت را تشکیل می‌داد، شامل کسانی بود که مسئولیت اداره کشور خود را در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و غیره برعهده گرفتند. آنها عمدتاً جوانانی بودند که پس از تحصیلات متوسطه یا عالی اداره امور کشور خود را به دست می‌گرفتند و بتدریج تعداد آنها افزایش می‌یافت. اصولاً بارزترین پیشرفت اجتماعی در خاورمیانه، بویژه پس از جنگ جهانی دوم، افزایش تعداد و اهمیت نیروی سیاسی یک قشر جدید اجتماعی به نام «طبقه متوسط» بوده است. توسعه طبقه مذکور، عمدتاً به ضرر نخبگان سنتی خاورمیانه (پادشاهان، شیوخ قبایل، فئودالها و بورژوازی) تمام شد؛ چرا که بتدریج قدرت و نفوذ سیاسی و اقتصادی آنها کاهش یافت و «جوانان» اداره امور را به دست گرفتند. ظهور و خودنمایی جوانان در «انقلاب ترکهای جوان» (۱۹۰۸) و سالهای پس از آن، در قلمرو حکومت عثمانی نوعی احساس تند و افراطی و از خود بیخودشدگی را که در تضاد شدید با احترام و تکریم سنتی کشورهای خاورمیانه به مسئله «سنن» و «تجربه» بود، به وجود آورد.

در رقابت گسترده بین سنت و اصلاح طلبی، ظن قوی بر این بود که سنتها برای مدتی طولانی دوام نخواهند آورد و سرانجام، تغییر و دگرگونی به عنوان ارزشی مثبت پذیرفته خواهد شد. برنامه‌های اصلاح طلبانه کمال آتاتورک، در واقع دومین حرکت اصلاحی و پس از

انقلاب ترکه‌های جوان به شمار می‌رود. در واقع، خط مشی‌های اصلاحی آتاتورک‌کیسم عبارت بود از تغییر و تحول و یا کنار گذاشتن سنت‌های سیاسی، حقوقی، مذهبی و فرهنگی در مقابل نهادهای غربی و اروپایی که نسل‌های پیشین با جدیت تمام در برابر آنها مقاومت می‌کردند. خط مشی‌های حقوقی، فرهنگی رضا شاه در ایران نیز در واقع الگو برداری از اقدامات آتاتورک بود که به شیوه‌ای ملایم‌تر به مرحله اجرا گذاشته شد و مخالفت‌های شدیدی را برانگیخت.

تحولات و برنامه‌های روبنایی و زیر بنایی در کشورهای مصر (۱۹۵۲) و عراق (۱۹۵۸) و نیز اقدامات سیاسی - اقتصادی ناموفق ایران به رهبری دکتر محمد مصدق (۵۳-۱۹۵۱) باعث ورود جوانان به صحنه مشارکت سیاسی جوامع مذکور شد. در حالی که برنامه‌های اصلاحی ترکیه به رهبری کمال آتاتورک و نیز تا اندازه‌ای ایران به رهبری رضا شاه عمدتاً جنبه سیاسی و فرهنگی داشت، حرکت‌های انقلابی یا اصلاح‌گرایانه بعدی بیشتر بر تغییر ساختار اجتماعی و اقتصادی تأکید کردند. از جمله برنامه‌های اخیر، می‌توان اصلاحات ارضی، صنعتی شدن سریع، اقتصاد برنامه‌ای دولتی، توسعه رفاه اجتماعی و نیز طرح‌های امنیت اجتماعی را نام برد. در همین راستا، برنامه‌ها و نظریه‌های سوسیالیستی به عنوان ایدئولوژی پویای توده‌ها و رهبران سیاسی برخی کشورهای خاورمیانه (نظیر عراق، سوریه، مصر) با ملی‌گرایی ترکیب و ارائه شد.

در کشورهای پیشرفته‌تر خاورمیانه، قشرهای برگزیده سنتی قدرت سیاسی خویش را از دست داده و یا در نتیجه برنامه اصلاحات ارضی، ملی کردن و دگرگونی‌های انقلابی در ساختار سیاسی - اقتصادی بکلی محو و نابود شده‌اند. در حالی که در مقابل، طبقه جدید متوسط قدرت و نفوذ روز افزونی پیدا کرده است. این طبقه جدید خاورمیانه عمدتاً متشکل از متخصصان و کارشناسان تحصیل کرده و مدیران و کارمندان اداری حقوق بگیر و به عبارت رایج‌تر «تکنوکراتها» یا «فن‌سالاران» است. به علت افزایش دامنه عمل و نقش دولت در بیشتر کشورهای خاورمیانه، اکثریت قابل توجه طبقه جدید متوسط به طبع به طور مستقیم و یا غیر مستقیم مشغول کار برای حکومت خود هستند. قابل توجه است که ارتش نیز عاملی مهم در این طبقه محسوب می‌شود، بویژه که افسران ارتش یا افسران بازنشسته خود نقش سیاسی حیاتی در طبقه جدید کشورهای عرب خاورمیانه ایفا می‌کنند.

گروه دوم شامل اشخاصی بود که جنبش‌های آزادیخواهانه منطقه را علیه نفوذ و تسلط استعمار رهبری کردند. آنها باعث شدند کشورهای خاورمیانه، بویژه پس از جنگ جهانی دوم،

استقلال خود را بازیابند. در این خصوص، افرادی نظیر دکتر مصدق، آیت الله کاشانی، آیت الله شیرازی، جمال عبدالناصر، حبیب بورقبیه، احمد بن بلا، حواری بومدین، شیخ عزالدین قسام و بسیار کسان دیگر منشأ دگرگونی های سیاسی و اقتصادی بسیاری در منطقه بودند. یکی از عوامل مهم در تغییر تحولات منطقه پس از جنگ جهانی دوم، توسعه افکار ملی گرایانه به شکل سیاسی و اقتصادی بود. این جریان باعث شد که کشورهای خاورمیانه به طور مؤکد حاکمیت سیاسی خود را به همراه قدرت و استقلال نسبی اقتصادی، از طریق صنعتی کردن و استخراج منابع و ذخایر خویش، خواستار شوند. در این مورد، دکتر مصدق ملی گرایی ایرانی را راهبر شد، میشل عفلق (سوری) و جمال عبدالناصر ملی گرایی عرب، بعضاً دیدگاههای متفاوت، را برانگیختند و مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) ملی گرایی ترک را هدایت کرد. کسانی نظیر قاضی محمد و ملا مصطفی بارزانی و دیگران نیز ملی گرایی کرد را شعله ور ساختند.

بعلاوه، در دوران پس از جنگ جهانی دوم، ملی گرایی اقتصادی به عنوان یک عامل تبعی ملی گرایی سیاسی و همانند آن منتهای نظر اقتصادی معمولاً به مفهوم وابستگی اقتصادی به غرب بوده است. فرایند مذکور برای اولین بار به طور مشخص در ایران در ۱۳۳۰ (۱۹۵۱) با ملی کردن صنعت نفت به وسیله دکتر مصدق به انجام رسید. به دنبال آن، و به اعتقاد تحلیل گران خاورمیانه با الهام از اقدام دکتر مصدق، جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر، در ۱۹۵۶ کانال سوئز را ملی اعلام کرد. بدین ترتیب، ضربه ای بزرگ بر منافع سیاسی اقتصادی انگلیسی ها و فرانسوی ها وارد شد. مدت کوتاهی پس از آن نیز این روند از طریق «مصری کردن» غالب امور اقتصادی کشور دنبال شد. در پی وقوع تحولات در ایران و مصر، کشورهای سوریه، عراق و سودان نیز پس از مدتی روش مصر را دنبال کردند. سپس، لیبی و الجزایر نیز به نوبه خود ملی گرایی اقتصادی را، بویژه در صنعت نفت، به مرحله اجرا درآوردند. نقطه عطف روند ملی گرایی اقتصادی در خاورمیانه برنامه «ملی کردن صنعت نفت» بود که در هر مورد کشورهای تولیدکننده نفت منطقه به منظور نظارت بر عملیات نفتی سرزمین خود، بجای شرکتهای نفتی بین المللی و قدرتمند، به اقداماتی دست زدند. روند مذکور با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) به انگیزه و نیروی محرکه جدیدی دست یافت. رخداد فوق حداقل به سهم خود، بر ضد تسلط غرب بر امور اقتصادی ایران، بویژه صنعت نفت، هدایت شد.

گروه سوم، به رغم اندک بودن شمار افراد آن، کسانی بودند که در بسیاری از تحولات

مهم منطقه به نفع استعمار به طور مستقیم یا غیر مستقیم، وارد عمل شدند. این افراد خود دو دسته بودند: خارجی و بومی.

در میان خارجی ها، انگلیسی ها و فرانسوی ها نقش عمده ای را در طراحی یا اجرای دگرگونیهای خاورمیانه بازی کردند. کسانی نظیر سرهبری مک ماهون، لرد آرتور بالفور، سرهنگ ادوارد لارنس (ملقب به لارنس عربستان)، سر مارک سایکس، ژرژ پیکو، ژنرال النبی و سر رونالد استورس از آن جمله اند.

از جمله تحولات یاد شده باید به انعقاد قرارداد سرنوشت ساز «سایکس — پیکو» در ۱۹۱۶ یعنی میانه جنگ جهانی اول اشاره کرد که سر مارک سایکس عضو پارلمان و معاون وزیر کابینه جنگی انگلستان، و ژرژ پیکو، کنسول فرانسه در بیروت، با امضای آن سرنوشت و آینده تحولات خاورمیانه را رقم زدند. آنان در فوریه ۱۹۱۶، یک طرح موقت برای تقسیم استانهای عربی عثمانی تهیه کردند. بر اساس این قرارداد، جهان عرب به چند بخش مجزا بین فرانسه و انگلستان تقسیم شد. قابل توجه است که یکی از هدفهای توافق تجزیه جهان عرب و ایجاد موانع مصنوعی بر سر راه وحدت آن بود. سایکس و پیکو در مارس ۱۹۱۶ با «سازونوف» وزیر امور خارجه روسیه تزاری، درباره قرارداد مذکور مذاکره نموده و توافق مشروط روسیه را نیز نسبت به توافق سایکس — پیکو کسب کردند. گفتنی است که در حال حاضر منشاء بسیاری از ناآرامی ها و تحولات سیاسی در خاورمیانه، از جمله بحران لبنان و مسئله فلسطین، ریشه در انعقاد قرارداد سایکس — پیکو و مفاد آن دارد.^۱

از جمله افراد بومی منطقه که روابط نزدیک و صمیمانه ای با منابع استعماری داشته و راه آنها را در جهت تحقق هدفهای سلطه گرانه هموار کردند، می توان از شریف حسین (حسین بن علی) و پسرانش ملک عبدالله (پادشاه اردن) و ملک فیصل اول (پادشاه عراق) و نیز ملک ابن سعود (پادشاه حجاز) نام برد. این افراد نقش بسیار مهمی در هموار ساختن راه استعمار و استثمار کشورهای منطقه داشتند. چنانکه در حال حاضر نیز ملک حسین، پادشاه اردن هاشمی، همچنان یکی از مهره های اصلی غرب، بویژه آمریکا، در طراحی و پیاده کردن سیاستهای ویژه آن در منطقه محسوب می شود.

البته، باید خاطر نشان ساخت که منطقه خاورمیانه جایگاه اندیشمندانی است که در زمینه علم و ادب و هنر منزلتی ویژه دارند. برخی از این افراد حتی تأثیر مهمی در پیشبرد پژوهشها و دستاوردهای علمی و فنی کشورهای غربی داشته اند و هم اکنون نیز مصادر امور علمی هستند. برای نمونه، پروفسور غفاری و پروفسور جوان دو دانشمندان ایرانی هستند که

نقش بسزایی در پیشبرد پژوهشها و برنامه های فضایی آمریکا ایفا کرده اند. آنها در زمره مقامات و مسئولان سازمان ملی هوانوردی و فضایی آمریکا (ناسا) هستند. حسنین هیکل، میشل عفلق، دکتر محمود حسابی، نیما یوشیج، فؤاد بستانی (لبنانی)، محمد عبدالرحمن بیزار (مصری) و غیره نیز از جمله نخبگان اندیشه و هنر خاورمیانه محسوب می شوند. هدف این پژوهش شناساندن نخبگان اندیشه و عمل منطقه خاورمیانه در یک مجموعه واحد می باشد؛ زیرا شک نیست که با توجه به گستردگی منطقه، سابقه تاریخی، موقعیت جغرافیایی و تنوع کمی و کیفی تغییر و تحولات و شناخت نخبگان اندیشه و عمل متعلق به آن از ضروریات دنیای معاصر است. این گونه پژوهشها می تواند ابزارهای مورد نیاز پژوهشگران را تأمین کرده، به مطالعه روند تحولات زندگی نخبگان به مثابه وسیله ای انگیزشی در راه پویایی و تلاش ذهنی و عملی افراد کمک کند.

پیشینه پژوهشهای مشابه

از دیرباز، در ایران تهیه و تدوین بیوگرافی و اتوبیوگرافی در قالب شرح احوال و زندگینامه رواج داشته است. معمولاً در این آثار نویسنده به سلیقه خود اقدام به ثبت سیر تحولات زندگی افراد، نقاط عطف تاریخ، موفقیتها و شکستها، خط مشی های عقیدتی و عملی اشخاص و بعضاً شرح آثار علمی، هنری و ادبی آنها کرده است. به عنوان مثال، کتاب بازیگران عصر طلایی،^۲ نوشته ابراهیم خواجه نوری، بیوگرافی مختصری از ۵۰ نفر «بازیگر» صحنه سیاست ایران می باشد که با برداشت و سلیقه ای ویژه تدوین شده است. علاوه بر این، در فهرست اعلام فرهنگ معین نیز بخشی به زندگی مختصر شخصیتهای ایران و جهان اختصاص یافته است. دایرةالمعارف فارسی نیز که در حال حاضر تنها دو جلد از سه جلد آن منتشر شده؛ اقدامی مشابه فرهنگ معین، ولی کامل تر انجام داده است. قابل ذکر است که در ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) نیز ناشری ایرانی کتابی به زبان انگلیسی در مورد بیوگرافی و شرح مختصر زندگی شخصیتهای مختلف ایرانی منتشر ساخت که به سهم خود ارزشمند است.^۳

در کشورهای غربی نیز، بویژه آمریکا و انگلستان، منابع متعدد و متنوعی در زمینه بیوگرافی های عمومی و بیوگرافی شخصیتهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی منتشر شده است. البته نقص عمده منابع این است که غالب آنها فقط یک بار منتشر شده و تجدیدنظر نگردیده اند. این امر به خاطر وجود مشکلات متعدد در زمینه چاپ و انتشار، بویژه فقدان یا کمبود ابزارها و سازمانهای اطلاعاتی لازم، بوده است. در حالی که در کشورهای غربی چند

سال یک بار این گونه منابع تجدید نظر و چاپ می شوند. ^۴ نکته جالب توجهی که نگارنده در بررسی برخی منابع خارجی شرح احوال شخصیت‌های خاورمیانه ای به آن دست یافته، این است که متأسفانه تهیه و تنظیم آنها با سعه صدر و صداقت علمی لازم انجام نگرفته است. به عنوان مثال، شرح حال افراد سرشناس در برخی منابع اصلی ذکر نشده است. در حالی که شرح احوال شخصیت‌های درجه دوم و سوم در آنها به چشم می خورد. بنابراین، نمی توان این مورد را از دیدگاهی خوش بینانه مورد ارزیابی قرار داد. در ضمن، شرح حال برخی شخصیت‌های غیر بومی که به طور مستقیم دست اندر کار مسائل و تحولات خاورمیانه بوده و بعضاً سرنوشت آن را رقم زده اند، در برخی مراجع مهم ثبت نشده است.

هدفهای طرح پژوهشی

هدفهای این طرح پژوهشی فهرست وار عبارتند از:

۱. تهیه و تنظیم و انتشار منابع ارجاعی و اطلاعاتی با توجه به اهمیت روزافزون خاورمیانه و نقش آن در سیاست‌های جهانی و روابط بین الملل. این امر ضرورت دارد؛ بویژه که کمبود چشمگیری در منابع مرجع منطقه ای وجود دارد.
۲. تهیه و تنظیم مجموعه اطلاعاتی در خصوص شرح احوال نخبگان خاورمیانه که در حد امکان اطلاعات مربوط به شخصیتها به هنگام باشد.
۳. گردآوری شرح احوال و زندگی شخصیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، مذهبی و هنری در یک مجموعه «واحد».

جمع آوری اطلاعات، محدود و ویژگی های پژوهش

تهیه و تدوین چنین مجموعه ای اقتضا می کند که سازمانی ویژه با گروهی کارشناس و کارمند با در اختیار داشتن امکانات کامپیوتری عهده دار انجام چنین مسئولیتی شود. به طبع، با چنین امکاناتی، حاصل کار بسیار دقیق تر و اطلاعات آن «به روز» خواهد بود. البته، در حال حاضر، با توجه به امکانات موجود و عدم وجود چنین سازمانی که خواه ناخواه بودجه گزافی می طلبد، روند کار به شکل دیگری خواهد بود؛ زیرا ابزارهای اصلی برای جمع آوری اطلاعات مربوط به افراد مورد نظر عمدتاً از طریق ترجمه و تألیف از منابع گوناگون خواهد بود. علاوه بر این، در صورت ضرورت از روش مصاحبه برای تهیه و تکمیل اطلاعات استفاده خواهد شد. بنابر این، به طور کلی روش‌های جمع آوری اطلاعات عبارت خواهد بود از: روش

کتابخانه ای، روش استفاده از اسناد و مدارک معتبر و مصاحبه.

از آنجا که افراد زیادی در خاورمیانه در زمینه های گوناگون فعالیت داشته و به شهرت رسیده اند، هدف پژوهش عمدتاً شناسایی و ارائه اطلاعات اساسی درباره نخبگان عمل و اندیشه و رهبران درجه اول و دوم سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، مذهبی و هنری منطقه به صورت گزینش و انتخاب اهم است. اطلاعات جمع آوری شده تنها شامل افراد بومی (خاورمیانه ای) نبوده بلکه خارجی ها را نیز، بنا به ضرورت، دربر خواهد گرفت. به عبارت دیگر، معیار گزینش شخصیت‌های مورد نظر بر اساس نقش، تأثیر حضور مستقیم (و گاه غیر مستقیم) آنان در تحولات منطقه ای است.

به دلیل ماهیت موضوع و نیز هدف پژوهش، محدوده تاریخی گزینش افراد عمدتاً از ابتدای قرن بیستم و در مواردی بنا به ضرورت، اواخر قرن نوزدهم خواهد بود. محدوده مکانی پژوهش شامل کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است؛ چرا که برخی خاورمیانه شناسان و نهادهای سیاسی بین المللی، محدوده خاورمیانه را از سمت غرب تا منتهی الیه شمال آفریقا گسترش می دهند. محدوده شخصیتی پژوهش نیز شامل شخصیت‌های سیاسی، نظامی، مذهبی، اقتصادی، علمی و فرهنگی و هنری است.

چارچوب اطلاعاتی هر مقاله عبارت است از: نام و نام خانوادگی و بعضاً عنوان علمی، اجتماعی و حرفه ای فرد (دکتر، آیت الله، سرلشکر، استاد، ...)، تاریخ و محل تولد، شغل و یا حرفه کنونی، میزان تحصیلات با ذکر رشته یا رشته های تحصیلی و محل تحصیلات عالی، سوابق مسئولیت اداری، اجتماعی و حرفه ای با ذکر تاریخ مربوط به هر مورد و دوره (تا حد ممکن)، مأموریتها و مسافرتها با ذکر تاریخ و نام کشورها و سازمانها و در صورت امکان هدف از انجام آنها. بنا به ضرورت، ذکر تحولات زندگی اجتماعی و سیاسی فرد و ارتباط او با تحولات کشور متبوع یا منطقه، در موارد مهم تر نام تألیف و ترجمه ها، کلیات موضوعی مقالات و آثار علمی و هنری فرد (ترجیحاً با ذکر تاریخ انتشار) ذکر نشانها و مدالهای اعطا شده به فرد و احتمالاً منبع اهدایی و بالاخره، هر گونه توضیح و شرح روشنگرانه مربوط به روند زندگی شخصیت مورد نظر. جهت سهولت دسترسی خواننده به اطلاعات مورد نظر، مقالات الفبایی شده، بر مبنای سه حرف اول نام خانوادگی فرد تنظیم می گردد.

یکی از وجوه تمایز این کار پژوهشی با سایر موارد مشابه این است که در این اثر به دلیل حجم کار و صرفه جویی درجا، تنها به نقاط عطف سیر تحولات زندگی شخصیتها با ذکر تاریخ اشاره می شود. بنابر این، از شرح جزئیات مراحل تحول زندگی اشخاص، بیان احساسات،

رخدادهای کم اهمیت، اظهار نظر و انتقاد از خط مشی های اجرایی و عقیدتی شخصیتها و نیز نتیجه گیری های شخصی درباره آنها خودداری شده است. با توجه به مراحل چاپ و انتشار، زمان اتمام و ارائه پژوهش نهایی اواسط ۱۳۷۴ خواهد بود.



پاورقی ها:

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مفاد این قرارداد به منابع زیر نگاه کنید: حمید احمدی. ریشه های بحران در خاورمیانه، (تهران: کیهان، ۱۳۶۹). Fred J. Khouri, *The Arab Israeli Dilemma*, 3rd ed. (Syracuse: Syracuse University Press, 1985).
۲. ابراهیم خواجه نوری. بازنگران عصر طلایی، (تهران: سیمرغ، ۱۳۵۷).
3. *Iran Who's Who 1976*. 3th ed. (Tehran: Echo of Iran, 1976).
۴. از جمله این گونه منابع اطلاعاتی که سالانه منتشر می شوند، منبع زیر را می توان نام برد:
International Yearbook and Statesmen's Who is Who 1993-4, (London: Burk's Peerage Ltd., 1994).

